

Philosophical-Legal Analysis of the Role of Criminal Ethics in Determining the Boundaries of the Criminal's Freedom of Will

F. Kayhani^{1*}, E. Amirkhani Ph.D.²

1. Department of Law, Sonqor Center, Payam Noor University, Kermanshah, Iran.

2. Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

Abstract

Background: Freedom of will and criminal responsibility are fundamental issues in the philosophy of law and criminal ethics that play a decisive role in criminal justice. Legal and jurisprudential systems, considering the moral nature of human behavior, seek to determine the limits and boundaries of individual freedom and responsibility. In Islamic law and Imami jurisprudence, criminal responsibility is based on three main conditions of maturity, reason, and free will, and obstacles such as insanity, minority, compulsion, and necessity can reduce or eliminate criminal responsibility. These jurisprudential principles, with rules such as “al-Shak y'dhahab al-hudood” and “the rule of compulsion,” provide a balance between justice and human dignity. A comparative analysis with Western theories showed that compatibilism in Western philosophy, emphasizing the possibility of moral responsibility within the framework of causality, has significant similarities with Islamic jurisprudence, while libertarianism and strict theories of absolute freedom do not fully comply with the practical criteria of jurisprudence. On the other hand, consequentialist and deterrent approaches in the West aimed at reform and education are, to some extent, in line with the educational and preventive dimension of Islamic criminal ethics. Also, regressiveness and the principle of retribution in jurisprudence emphasize the moral response to the will and intention of the offender.

Conclusion: This study shows that criminal ethics based on religious and Islamic discourse offers a moderate and rationalist model that, while maintaining individual responsibility and criminal justice, has the ability to benefit from the findings of modern science and comparative interpretation with Western theories. This model can provide a dynamic framework for the analysis and implementation of criminal responsibility in the contemporary era.

Keywords: *Criminal ethics, freedom of will, criminal responsibility, Islamic law, Western theories*

***Corresponding Author:** Keyhani F. Law Department, Sonqor Center, Payam Noor University, Kermanshah, Iran. Email: dr.keyhanilaw@gmail.com

How to cite: Keyhani F, Amirkhani E. Philosophical-legal analysis of the role of criminal ethics in determining the boundaries of the criminal's freedom of will. *Ethics in Science and Technology*. 2026;21(2): 1-8.



Copyright © 2026 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

تحلیل فلسفی-حقوقی نقش اخلاق کیفری در تعیین مرزهای آزادی اراده مجرم

فاطمه کیهانی^{۱*}، دکتر احسان امیرخانی^۲

۱. گروه حقوق، مرکز سنقر، دانشگاه پیام نور، کرمانشاه، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱)

چکیده

زمینه: آزادی اراده و مسئولیت کیفری از مباحث اساسی فلسفه حقوق و اخلاق کیفری است که نقش تعیین کننده‌ای در عدالت کیفری دارد. نظام‌های حقوقی و فقهی، با توجه به ماهیت اخلاقی رفتار انسان، به دنبال مشخص کردن حد و مرزهای اختیار و مسئولیت فرد هستند. در حقوق اسلامی و فقه امامیه، مسئولیت کیفری مبتنی بر سه شرط اصلی بلوغ، عقل و اختیار است و موانعی مانند جنون، صغر، اکراه و اضطرار می‌توانند مسئولیت کیفری را کاهش یا منتفی کنند. این اصول فقهی با قواعدی چون «الشک یذهب الحدود» و «قاعده اکراه» تأمین کننده توازن میان عدالت و کرامت انسانی‌اند. تحلیل تطبیقی با نظریه‌های غربی نشان داد که سازگارگرایی در فلسفه غرب با تأکید بر امکان مسئولیت اخلاقی در چارچوب علیت، شباهت قابل توجهی با فقه اسلامی دارد، در حالی که لیبرتاریانیسم و نظریه‌های سختگیرانه آزادی مطلق با معیارهای عملی فقه، همخوانی کامل ندارند. از سوی دیگر، رویکردهای نتیجه‌گرا و بازدارنده در غرب با هدف اصلاح و تربیت، تا حدی با بعد تربیتی و پیشگیرانه اخلاق کیفری اسلامی هم‌راستا هستند. همچنین، بازگشت‌گرایی و اصل قصاص در فقه، بر پاسخ اخلاقی به اراده و نیت مجرم تأکید دارند.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان می‌دهد که اخلاق کیفری مبتنی بر گفتمان دینی و اسلامی مدلی میانه و عقل‌گرایانه ارائه می‌دهد که ضمن حفظ مسئولیت فردی و عدالت کیفری، قابلیت بهره‌گیری از یافته‌های علوم نوین و تفسیر تطبیقی با نظریه‌های غربی را دارد. این مدل می‌تواند چارچوبی پویا برای تحلیل و اجرای مسئولیت کیفری در عصر معاصر فراهم سازد.

کلید واژگان: اخلاق کیفری، آزادی اراده، مسئولیت کیفری، حقوق اسلامی، نظریه‌های غربی

سرآغاز

اما در نظام حقوقی و فقهی اسلامی مفاهیم مرتبط مانند قصاص، حد، تعزیر، آثار وجود عقل، بلوغ، اختیار و تأثیر شرایط محیطی و روانی، جنون، اضطرار، اکراه، جاهلیت اخلاقی و نادانی (جهل) از جمله شاخص‌هایی‌اند که مرز مسئولیت کیفری را تعیین می‌کنند. برای مثال قانون مجازات ایران تصریح می‌کند که برای تحقق مسئولیت کیفری لازم است فرد «عقل»، «بزرگسال» (بلوغ)، و دارای «اراده آزاد»^۱ باشد؛ در حالی که در صورت وجود «دیوانگی»، «اکراه»، «نوجوانی» یا شرایط اختلال روانی، مسئولیت ممکن است منتفی یا کاهش یابد (۱-۳).

اخلاق کیفری^۲ در حقوق اسلامی نقش دوگانه دارد: از یک سو الزام به تحقق عدالت و کیفیت تشریع شریعت، و از سوی دیگر هدف تربیتی-اصلاحی برای فرد و جامعه. آموزه‌های اسلامی در فلسفه جزا نه فقط بر جزا به معنای تنبیه تأکید دارند، بلکه بر راهنمایی، اصلاح و بازگشت فرد به مسیر اخلاقی نیز تأکید دارند.

یکی از مسائل بنیادین در فلسفه حقوق کیفری، مرز میان آزادی اراده مجرم و مسئولیت کیفری اوست؛ پرسشی که نه تنها در نظام‌های حقوق بشری معاصر بلکه در فقه و اصول حقوق اسلامی نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است. به بیان دیگر، چگونه اخلاق کیفری تعیین می‌کند که چه زمانی اراده فرد مجرم آزاد است و در چه شرایطی این آزادی محدود یا معلق شده و مسئولیت کیفری منتفی یا کاهش می‌یابد؟ این پرسش در تقاطع اخلاق، فلسفه، فقه اسلامی و حقوق موضوعه قرار دارد.

در مکاتب اخلاقی غربی، آزادی اراده عموماً به دو شکل مطرح می‌شود: اختیارگرایی^۱ که معتقد است برای مسئولیت اخلاقی^۲ وجود امکان انتخاب واقعی بین گزینه‌های مختلف لازم است، و سازگارگرایی^۳ که بر این نظر است که اراده آزاد می‌تواند در چارچوبی از علل و شرایط مسبق به علم صورت گیرد بدون آنکه این علل مسئولیت را نفی کند.

آزادی اراده مفهومی فلسفی-عملی است که به توانایی عامل انسانی برای انتخاب میان گزینه‌ها «به‌عنوان عامل مسئول» اشاره دارد؛ در حوزه کیفری این مفهوم معیار اصلی برای احراز مسئولیت اخلاقی و قانونی محسوب می‌شود. در متون فلسفی سه محور اصلی دیدگاه‌ها درباره ماهیت آزادی اراده مطرح شده‌اند: جبرگرایی، اختیارگرایی و سازگارگرایی. هر یک از این رویکردها تعبیر متفاوتی از «اهلیت مسئولیت» ارائه می‌دهند و بنابراین در نحوه تعیین مرزهای آزادی اراده مجرم تأثیرگذارند. بررسی دقیق سازگارگرایی نشان می‌دهد که این موضع می‌پذیرد که حتی در جهان علت‌مند هم می‌توانید مسئولیت اخلاقی را حفظ کنید، یعنی معیارهای رفتاری و روانی درونی (آگاهی، نیت، کنترل درونی) برای مؤاخذه کافی تلقی می‌شوند (۱۰ و ۱۱)

در نظام‌های کیفری نوین، تحقق مسئولیت معمولاً به وجود دو رکن اساسی وابسته است: رکن مادی و رکن روانی. از منظر نظری، رکن روانی (قصد، نیت یا آگاهی) نقطه تماس مستقیم با سؤال آزادی اراده است: تنها در صورتی که عامل با نیت و در شرایط اختیار عمل کرده باشد، می‌توان او را به‌صورت کامل مسئول دانست. اخلاق کیفری معیارهایی برای احراز و وزن‌دهی به این ارکان پیشنهاد می‌دهد (مثلاً آیا یک وضعیت روانی خاص، توان انتخاب معقول را از عامل سلب کرده یا صرفاً آن را تحت فشار قرار داده است؟). در اصطلاح حقوقی-فلسفی، آزمون‌های کنترل و آزمون‌های توانایی برای سنجش قابلیت ضبط مسئولیت توسعه یافته‌اند؛ اما نقادانی هشدار داده‌اند که کاربرد مستقیم داده‌های علوم اعصاب در این آزمون‌ها هنوز نیازمند احتیاط و چارچوب‌سازی حقوقی است (۲).

در فقه اسلامی، مسئولیت کیفری غالباً مبتنی بر مفاهیم تکلیفی و شخصی «بلوغ»، «عقل» و «اختیار» است؛ فقه کلاسیک «مکلف» را موجودی می‌داند که توان فهم تکلیف (عقل) و بلوغ شرعی را داشته و در انجام یا ترک فعل از اختیار برخوردار باشد. قواعد فقهی مهمی که تعیین‌کننده مرزهای اختیاراند عبارت‌اند از: قاعده «لااضطرار یرفع التکلیف» (در موارد اضطرار تکلیف ساقط یا مخفف می‌شود)، قاعده «الاکراه» (در صورت اکراه شدید ممکن است مسئولیت ساقط شود)، و قاعده «الشک یدّهب الحدود» (شک در تحقق عناصر حدی موجب عدم اجرای حد می‌شود). مطالعات تطبیقی و تاریخ‌پژوهی نشان می‌دهد که آموزه‌های فقهی در طول تاریخ، هم‌چون سیستم‌های معاصر، به دنبال «معیارهای عملی و قابل اثبات» برای احراز اختیار بوده‌اند؛ این چارچوب ناظر بر تامین انصاف و جلوگیری از مجازات افراد فاقد اختیار واقعی است.

ب) اخلاق کیفری

عدالت کیفری حوزه گسترده‌ای است که کل سیستم عدالت کیفری را در بر می‌گیرد، که شامل اجرای قانون، سیستم دادگاه و اصلاحات می‌شود. با توجه به اینکه متخصصان عدالت کیفری برای تشریح و رسیدگی به رفتارهای مجرمانه، پاسخگو نگه داشتن مجرمان در قبال اعمالشان و محافظت از قربانیان تلاش می‌کنند، جای تعجب نیست که بسیاری این انتخاب شغلی را تأثیرگذار و ارزشمند می‌دانند (۱۲).

این تلفیق پاداش و مجازات، تعیین حد و حدود اختیار را ضروری می‌سازد؛ زیرا اگر اراده انسانی کاملاً ناچار باشد یا تحت تأثیر عوامل غیر ارادی قرار گیرد، عدالت در تعیین جزا خدشه‌دار می‌شود. آموزه‌هایی چون اصل «لا عقوبه إلا بعد القانون»، اصل «عدم تقصیر بدون قصد» و قاعده «الشک یدّهب الحدود» (شک در موارد حد موجب حذف مجازات است) نمونه‌هایی‌اند از اصول فقهی که در تعیین خطوط آزادی اراده مؤثرند (۴-۷).

هم‌چنین در پژوهش‌های نوین، موضوعاتی نظیر روان‌حقوق^۶ و تأثیر وضعیت‌های روانی-اعصاب، اختلالات عاطفی، اضطراب شدید، خواب‌گردی، مستی و خطاهای درک و شناخت، به‌عنوان عواملی که ممکن است اراده آزاد را تضعیف کرده یا مانع تحقق کامل آن شوند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این تحلیل‌ها برای حقوق کیفری اسلامی نیز دارای اهمیت‌اند، چون امکان دارد این شرایط در فقه جزایی به‌عنوان موانع مسئولیت تلقی شوند و تعیین دقیق آنها به عدالت کیفری^۷ کمک کند (۸ و ۹).

در سطح فلسفی-حقوقی، تحلیل اخلاق کیفری در این موضوع مستلزم پاسخ به چند پرسش کلیدی است: اول، چه معیارهایی برای ورود آزادی اراده به مفهوم مسئولیت کیفری وجود دارد؟ دوم، چه حدی از محدودیت اراده موجب سلب مسئولیت می‌شود؟ سوم، آیا نظریه‌های فقهی و اصول اسلامی ابزارهایی نظری و عملی کافی برای تمیز میان حالت‌های اراده آزاد و اراده تحت تأثیر دارند؟ و در نهایت، چگونه باید بین عدالت و حفظ حقوق بشر در نظام اسلامی، به ویژه در شرایطی که مجازات‌های قطعی و حدی مطرح‌اند، تعادلی برقرار کرد؟

هدف این مقاله، بررسی فلسفی-حقوقی نقش اخلاق کیفری در تعیین مرزهای آزادی اراده در حقوق کیفری اسلامی است. به‌ویژه قصد بر آن است که با تحلیل مفاهیم فقهی و اخلاقی اراده، اختیار، قصد، عقل، و شرایط استثناء در حقوق اسلامی، چارچوبی نظری برای تشخیص مواردی ارائه شود که در آنها آزادی اراده مشروع است یا باید مشروع تلقی شود؛ و همچنین بررسی گردد که چگونه اخلاق کیفری می‌تواند معیارهای تثبیت مسئولیت کیفری را به گونه‌ای تنظیم کند که عدالت نه تنها در مجازات بلکه در تعیین شرایط مسئولیت رعایت شود.

روش تحقیق در این مقاله، رویکردی توصیفی-تحلیلی خواهد بود. این مقاله تلاش می‌کند به روشن شدن خلأهای نظری و عملی در راه توازن میان آزادی اراده اخلاقی و عدالت کیفری در حقوق اسلامی کمک کند.

بحث

مبانی نظری و مفهومی

برای بررسی مفاهیم نظری و مفهومی موضوع مطالعه، نیاز است ابتدا بعضی مفاهیم اساسی تعریف شوند: آزادی اراده، اختیار و اراده مختار و مفهوم اخلاق کیفری

الف) آزادی اراده، اختیار و مسئولیت کیفری

با این حال، در قلب حوزه عدالت کیفری، مجموعه‌ای از اصول اخلاقی^۸ وجود دارد که متخصصان باید برای اطمینان از منصفانه، عادلانه و منصفانه بودن سیستم، از آنها پیروی کنند. دانستن اهمیت اخلاق در عدالت کیفری برای هر کسی که قصد دارد در این حوزه پویا شغلی را دنبال کند، ضروری است. اخلاق کیفری نهادی هنجاری است که می‌کوشد معیاری برای شایستگی مؤاخذه و تناسب مجازات پیشنهاد دهد: آیا و در چه شرایطی سزا عادلانه و موجه است؟ متخصصان عدالت کیفری باید بتوانند خود و همکارانشان را به مجموعه‌ای دقیق از استانداردهای اخلاقی^۹ پایبند نگه دارند تا به کاهش فساد در این حوزه کمک کنند. چند تکنیک و استراتژی ساده می‌تواند به متخصصان حوزه عدالت کیفری در حفظ استانداردهای اخلاقی کمک کند:

۱. مجازات رفتارهای غیر اخلاقی^{۱۰}

متخصصان اجرای قانون و کسانی که در سیستم عدالت کیفری کار می‌کنند، می‌دانند که مسئولیت مهمی در حفظ مجموعه‌ای از استانداردهای اخلاقی، چه در زندگی حرفه‌ای و چه در زندگی خصوصی خود دارند. از برخی جهات، متخصصان عدالت کیفری به عنوان الگوهایی در نظر گرفته می‌شوند که اکثر شهروندان باید زندگی خود را بر اساس آنها بگذرانند. با توجه به این موضوع، گاهی اوقات اقدامات تنبیهی زمانی که آنها به شیوه‌ای اخلاقی یا از نظر اخلاقی مسئولانه رفتار نمی‌کنند، ضروری است. با توجه به اینکه مأموران اجرای قانون و سایر افراد در عدالت کیفری مسئول شناسایی، پیگرد قانونی و اصلاح رفتارهای مجرمانه هستند، منطقی است که اشتباهات یا انتخاب‌های نادرست خودشان به طور عادلانه مجازات شود. طبق گفته مؤسسه ملی عدالت، مجازات تخلفات جزئی و عمده در یک اداره اجرای قانون یا واحد عدالت کیفری بهترین راه برای الگوسازی و اجرای استانداردهای اخلاقی سازمان است (۱۳).

۲. الزام به آموزش‌های اخلاق

در حالی که یک رویکرد واکنشی می‌تواند برای رسیدگی به یک مسئله اخلاقی در ارگان‌های مرتبط با عدالت کیفری ضروری باشد، شایان ذکر است که یک روش پیشگیرانه برای توسعه اخلاق می‌تواند تأثیرگذارتر باشد. در عصری که اخلاق در اجرای قانون هرگز تا این حد حیاتی نبوده است، برنامه‌های آموزشی اخلاق برای متخصصان می‌تواند بسیار ارزشمند باشد.

۳. رهبری با الگو

رهبران در حرفه عدالت کیفری می‌توانند تنها با الگو بودن، بیشترین تأثیر را بر همکاران و همسالان خود داشته باشند. اخلاقی‌ترین رهبران در عدالت کیفری باید:

تا حد امکان شفاف باشند و در مورد سیاست‌ها و رویه‌های درون بخش، صریح باشند.

به سرعت هرگونه سوء رفتار را به روشی منصفانه و عادلانه رسیدگی کنند.

در صورت بروز خطا، خود را پاسخگو بدانند.

وقتی رهبران سیستم عدالت کیفری، رفتار خود را در اولویت قرار می‌دهند و مجموعه‌ای از اصول اخلاقی توسعه یافته را به نمایش می‌گذارند، احتمال بیشتری دارد که اعتماد و احترام کسانی را که به آنها گزارش می‌دهند، به دست آورند (۱۴).

۴. شفافیت با رویه‌ها

کسانی که در حوزه عدالت کیفری هستند، متوجه خواهند شد که شفافیت^{۱۱} برای ایجاد حس اعتماد، چه در خود اداره و چه در جامعه به طور کلی، ضروری است. اقداماتی مانند پلیس مبتنی بر شواهد و گزارش عمومی حوادث می‌تواند به بهبود شفافیت و ایجاد اعتماد در جامعه کمک کند (۱۴).

۵. دیگران را به گزارش رفتار غیر اخلاقی تشویق کنید

هنگامی که افراد در این حوزه از وضعیتی آگاه می‌شوند که ممکن است اصول اخلاقی آنها را به خطر بیندازد، مهم است که حادثه در اسرع وقت از طریق کانال‌های مناسب گزارش شود. با ارائه اطلاعات دقیق در مورد این حادثه به رهبران، مأموران اجرای قانون و متخصصان عدالت کیفری می‌توانند با خیال راحت بدانند که اقدامات لازم را برای کاهش رفتارهای غیر اخلاقی در اداره انجام داده‌اند (۱۵).

نقش اخلاق کیفری در تعیین مرزهای آزادی اراده و مسئولیت

دو نقش عمده اخلاق کیفری در تعیین مرزهای آزادی اراده عبارتند از: (الف) تعیین حداقل شروط لازم برای آنکه یک فعل قابل سرزنش و قابل مجازات باشد (مثلاً وجود نیت یا اختیار)؛ و (ب) ارائه معیارهای موازنه‌گر بین هدف‌های مختلف کیفری (عدالت بازگشتی، بازدارندگی، اصلاح). نظریه پردازان کلاسیک حقوق کیفری^{۱۲} نقش تمایز «بی‌گناهی/گناهکاری» و همچنین ملاحظات ارتباطی و بازتأسیسی مجازات را تحلیل کرده‌اند؛ این مباحث، چارچوبی نظری فراهم می‌آورند تا «اختیار» به صورت کاربردی و نه صرفاً متافیزیکی بررسی شود (۱۶). اخلاق کیفری به مثابه یک نظام نورماتیو، معیارها و موازینی فراهم می‌کند که نه تنها تعیین می‌کند چه رفتاری «غیر اخلاقی» است، بلکه در تشخیص اینکه آیا عامل جرم واقعاً دارای آزادی اراده بوده است نیز مؤثر است. به بیان دقیق‌تر، اخلاق کیفری به ما کمک می‌کند تا مرزهایی را بشناسیم که در آن‌ها فرض «اختیار» مشروع است، و چه شرایطی آن را تضعیف یا نفی می‌کند (۱۷).

۱. اخلاق کیفری و مسئولیت اخلاقی

یکی از مفروضات اخلاق کیفری این است که برای مؤاخذه اخلاقی یا کیفری، فرد باید دارای اختیار باشد؛ یعنی بتواند میان گزینه‌ها انتخاب کند. اگر اراده فرد از جهتی غیرارادی یا تحت اجبار کامل باشد، مسئولیت اخلاقی و قضایی او قابل طرح نیست. به‌ویژه در نظام‌های

مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری در حقوق اسلامی و قانون مجازات اسلامی ایران بر پایه مبانی فقهی تعریف شده است که شروط و موانع آن در متون شرعی و سپس در قوانین موضوعه بازتاب یافته‌اند. در اینجا مهم‌ترین این مبانی را توصیف می‌کنیم.

۱. شرط بلوغ، عقل و اختیار

یکی از اصول فقهی و قانونگذاری اساسی در مسئولیت کیفری این است که شخص مرتکب جرم، هم دارای بلوغ^{۱۳} باشد، هم عاقل و دارای اختیار. این شروط فقهی اولاً در نصوص شرعی آمده‌اند و ثانیاً در قانون مجازات اسلامی کشور ما به صراحت مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۱۴۰ مقرر می‌دارد که مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات زمانی محقق می‌شود که فرد "عاقل، بالغ و مختار" باشد. بلوغ در قانون ایران برای دخترها نه سال تمام قمری و برای پسرها پانزده سال تمام قمری است؛ در غیر این صورت مسئولیت کیفری شخص (در جرائم حدی، قصاص و تعزیرات) منتفی است. فقه اسلامی نیز بلوغ را شرط اساسی مسموع بودن احکام کیفری دانسته است، به این معنا که تا زمانی که شخص از سن بلوغ نگذرد، توان تشخیص و تمییز (عقل) و نیز اختیار کامل برای ارتکاب جرم را ندارد (۱۸).

۲. موانع مسئولیت کیفری

علاوه بر شروط مسئولیت، فقه و قانون موانع متعددی برای مسئولیت کیفری شناخته‌اند؛ موانعی که در صورت تحقق، آزادی اراده شخص مختل شده و مسئولیت کیفری او کاهش می‌یابد یا منتفی می‌گردد. این موانع را اینگونه می‌توان بیان و توضیح داد. جنون یا اختلال روانی^{۱۴}: اگر مرتکب در زمان ارتکاب جرم فاقد قوه تمییز یا قوه اراده باشد، مسئولیت کیفری ندارد؛ قانون مجازات اسلامی ماده ۱۴۹ تصریح می‌کند که شخصی که در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به‌نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد «مجنون» محسوب شده و مسئولیت ندارد؛ نابالgi یا صغر: کودکان زیر سن بلوغ مسئولیت کیفری ندارند؛ قانون‌مدار بر این اساس اقدام تربیتی - تأمینی برای آن‌ها پیش‌بینی کرده است. ماده‌ی ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی به افراد نابالغ مسئولیت کیفری را منتفی دانسته است؛ جهل (ناآگاهی نسبت به موضوع جرم یا قانون): اگر مرتکب جهل به موضوع جرم چون تشخیص اشتباه موضوع یا مصداق داشته باشد، امکان دارد مسئولیت کیفری در برخی موارد کاهش یا منتفی باشد؛ قانون ایران نیز در ماده‌هایی به این حالت پرداخته است؛ اختلال حالت اختیار به سبب اکراه، اضطراب یا مستی: قانون ایران در ماده ۱۴۹ در مورد مستی و اختلال روانی وضعیت‌هایی را پیش‌بینی کرده است که اگر مستی به حدی باشد که اختیار را به کلی از بین ببرد، مسئولیت کیفری برقرار نمی‌شود (۱۸ و ۱۹).

۳. ارکان مسئولیت کیفری در قانون ایران

مسئولیت کیفری زمانی در قانون تحقق می‌یابد که شرایط و ارکان آن به نحو کامل وجود داشته باشند. این ارکان در فقه و قانون توأماً مورد

حقوقی و فلسفی، قصد و قصد قبلی نمود عینی اختیار هستند؛ بدون اراده آزاد، نمی‌توان نیت را در سطحی معتبر فرض کرد.

۲. معیارهای اخلاقی محدودیت آزادی اراده

اخلاق کیفری می‌تواند معیارهایی را تعریف کرده باشد که نشان دهند یک اراده واقعاً آزاد بوده است یا خیر. آگاهی و علم عامل: آیا مجرم فهم داشته است که جرم چه هست و اقتضای عمل او چه؟ در فقه اسلامی، «جهل» ممکن است مسئولیت را کاهش یا منتفی کند؛ اصرار یا اکراه: اخلاق کیفری، و همین‌طور فقه، اکراه شدیدی را که بر اختیار تأثیر می‌گذارد رافع مسئولیت دانسته است (۲). بررسی کرده است که چگونه فقه مذاهب اسلامی با مفهوم اکراه و مسئولیت برخورد می‌کند و در چه شرایطی اکراه، مسئولیت اخلاقی را کاهش می‌دهد یا حذف می‌کند؛ حالت روانی و عقلی: در برخی پژوهش‌ها، وضعیت ذهنی و روانی (مانند جنون یا نقص اختلال روانی) نشانگر تضعیف اختیاری است که منجر به رافع مسئولیت شدن می‌شود. مطالعه ای نشان می‌دهد که قانون مجازات ایران مشروط به عقل، بلوغ، و اراده آزاد مسئولیت مجرمان را قبول دارد و در وضعیت‌هایی مانند جنون یا اکراه ممکن است مسئولیت کیفری منتفی یا تخفیف داده شود (۱۱).

۳. تناسب اخلاق کیفری و عدالت کیفری اسلامی

در حقوق اسلامی، اخلاق کیفری نه فقط تنبیهی که تربیتی و اصلاحی نیز هست. یعنی اخلاق کیفری معیارهایی را تعیین می‌کند که در آن‌ها عدالت محقق می‌شود؛ عدالت در تعیین مسئولیت، تناسب مجازات با جرم و شرایط مجرم، و ملاحظه کرامت انسانی. برای مثال، اصل «لا عقوبه إلا بعد الکلام» (مجازات تنها پس از قانون) یکی از اصول اخلاقی-حقوقی است که آزادی انتخاب را در نظر می‌گیرد و از اعمال تنبیه در حالات نامشخص جلوگیری می‌کند. اخلاق کیفری اسلامی تأکید دارد بر اینکه اگر شک در تحقق عناصر ضروری جرم موجود باشد، مجازات حدی نباید اجرا شود؛ این مطابق با قاعده «الشک ینذهب الحدود» است.

۴. نقش اخلاق کیفری در تعیین خطوط عملی

مسئولیت

اخلاق کیفری علاوه بر نظریات فلسفی و فقهی، در تدوین قوانین کیفری و رویه قضایی نقش عملی دارد. قانون مجازات ایران در مصادیق مجازات‌های قطعی (مانند حد، قصاص، دیه) این آزادی اراده را به عنوان پیش‌شرط مسئولیت می‌پذیرد و در صورتی که عامل فاقد اختیار باشد (مثلاً به دلیل جنون، مستی شدید، بلوغ ناقص، یا اکراه شدید)، مسئولیت کیفری منتفی یا تخفیف می‌یابد. اخلاق کیفری درس‌هایی از علوم انسانی جدید (مانند روان‌شناسی، روان‌پزشکی، نوروساینس) دریافت کرده است که نشان می‌دهد برخی عوامل زیستی یا محیطی ممکن است اراده آزاد را محدود کنند؛ در نتیجه، اخلاق کیفری الزام می‌کند قوانین و نظام کیفری این محدودیت‌ها را در نظر بگیرد تا عدالت محقق شود.

توجه‌اند. الف) رکن قانونی: جرم و مجازات باید از پیش در قانون تعیین شده باشد؛ هیچ جرمی بدون حکم قانون نمی‌تواند مجازات بیاورد. قانون مجازات اسلامی در ماده ۱ تصریح می‌کند که این قانون شامل «جرایم و مجازات‌ها» است و برای هر رفتاری که قانون آن را جرم شناخته است مجازات دارد. ب) رکن مادی (فعلیت فعل یا ترک فعل) و رکن روانی (قصد یا علم)؛ قانون در ماده ۱۴۴ بیان می‌کند در جرائم عمدی^{۱۵}، علاوه بر علم به موضوع جرم، قصد فعل مجرمانه باید احراز شود، و در جرائم غیرعمدی تقصیر نیز شرط مسئولیت است (۱۸).

۴. هماهنگی فقه و قانون در حفظ آزادی اختیار

فقه اسلامی و قانون مجازات اسلامی ایران تا حد زیادی در همسویی با هم عمل کرده‌اند تا آزادی اراده را محترم بدارند و مسئولیت کیفری را منوط به وجود اختیاری واقع‌بینانه کنند. قانون با قید "مختار بودن" در کنار عقل و بلوغ در ماده ۱۴۰، نشان می‌دهد که اختیار واقعی برای مسئولیت لازم است. موانع قانونی مسئولیت کیفری در فصل موانع قانون مجازات اسلامی، مانند اختلال روانی، نابالغی و جهل، بازتاب مفاهیم فقهی اختیار مختل یا غیر مطلق است.

مبانی فقهی و حقوقی اسلامی و قوانین موضوعه ایران تأکید دارند که مسئولیت کیفری نه به صورت مطلق، بلکه مشروط است به وجود آزادی اراده واقعی، عقل، بلوغ و شرایط محیطی که اختیار شخص را مختل نکرده باشد. قانون مجازات اسلامی ایران با پیش‌بینی شروط و موانع مسئولیت کیفری، تلاش نموده است تا عدالت کیفری را بر پایه احترام به آزادی اراده حفظ کند. در ادامه مقاله می‌توان بررسی شود که این مبانی در عمل چگونه اجرا می‌شوند و آیا معیارهای اخلاقی اقتضایی نیازمند تبیین جامع‌تر یا تصریح بیشتر در فقه و قانون هستند (۲۰).

تحلیل تطبیقی با نظریه‌های غربی

در اینجا هدف این است که نشان دهیم چگونه مکتب‌های بنیادین فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق در غرب- به‌ویژه سازگارگرایی/جبرستیزی، اختیارگرایی، نگاه‌های نتیجه‌گرا و واکنش‌گرایانه/مجازات‌محور- مبانی نظری متفاوتی برای سنجش «آزادی اراده» و در نتیجه «مسئولیت کیفری» ارائه می‌دهند و این مبانی چگونه با آموزه‌ها و قواعد فقهی-اسلامی درباره اختیار و معذورت قابل مقایسه و تلفیق‌اند.

۱. سازگارگرایی و مسئولیت کیفری

سازگارگرها مدعی‌اند که آزادی اراده با نظم علیّت ناسازگار نیست؛ یعنی حتی اگر رفتارها علت‌مند باشند، باز هم می‌توان از عامل خواست آزاد معنادار و در نتیجه مسئولیت اخلاقی و کیفری انتظار داشت (۱۰). در ادبیات حقوقی معاصر، دیدگاه‌های سازگارگرانه مبنای تبیین «اقتدار درونی» و «نیت» به‌عنوان شاخص‌های کفایت برای مؤاخذه هستند؛ تا زمانی که عمل از نیت و سلسله‌علل روانی عامل نشأت گرفته باشد و او امکان تمییز و انتخاب بر پایه خلّقیات و عقاید خود داشته باشد، مسئولیت قابل اتکا است (۲۱). این دیدگاه تا حدی با فقه اسلامی هم‌راستا به‌نظر می‌رسد، زیرا فقه نیز بر وجود «قصد/نیت» و فقدان

موانع خارجی قاهر (مثل جنون یا اکراه شدید) به‌عنوان پیش‌شرط مسئولیت تأکید دارد؛ اختلاف اساسی در سطح متافیزیکی است- سازگارگرها نیازی به «آزادی غیرعلی» ندارند در حالی که برخی برداشت‌های فقهی گاه تصریح به اختیار و مسئولیت شخصی دارند اما نه الزام به لیبرتاریانیسم متافیزیکی (۱).

۲. اختیارگرایی و فشار بر معیار «امکان انجام کاری دیگر»

اختیارگرایان مدعی‌اند که برای مسئولیت اخلاقی واقعی لازم است عامل در نقطه «آزادی واقعی بدون تسلط علی» باشد یعنی نقطه‌ای که می‌تواند کار دیگری انجام دهد. از منظر کیفری، چنین نگرشی سخت‌گیرانه است: هرگاه احداث علی یا زیستی موجب غیاب امکان دیگر گردد، مسئولیت تقلیل یا ساقط می‌شود. در تقابل با فقه اسلامی، این موضع مشکل‌ساز است چون فقه ناظر به تکلیف و تکلیف‌پذیری عملی مکلف عاقل است و غالباً معیارهای عملی (بلوغ، عقل، اختیار متعارف) را ملاک قرار می‌دهد نه الزام متافیزیکی به «اختیار بدون علت»؛ بنابراین پذیرش کامل لیبرتاریانیسم می‌تواند منجر به تضاد با مبانی قضایی فقهی شود مگر آنکه به‌صورت محدود و در مصادیق مخصوص (مثلاً مواردی که شواهد قوی زیستی وجود دارد) به‌کار رود (۲۲).

۳. نتیجه‌گرایی و مأموریت‌بازدارندگی و اصلاح

نظریه نتیجه‌گرا (به‌ویژه شکل کلاسیک آن در جان استوارت میل و سنت پدیدآوران سودگرایی) مجازات را وسیله‌ای برای افزایش سعادت عمومی (بازدارندگی، اصلاح، ایمن‌سازی جامعه) می‌داند و کمتر به «مایه درونی» فاعل (مانند آزادی مطلق اراده) ارجاع می‌دهد؛ برای نتیجه‌گراها، آنچه اهمیت دارد نتایج اجتماعی مجازات است نه صرف سزا دادن مطابق «استحقاق». به این ترتیب، نتیجه‌گرایی می‌تواند در مواردی که دلالت‌های علمی تضعیف اختیار (مثلاً اختلالات زیستی) وجود دارد، بر تدابیر پیشگیرانه یا درمانی تأکید کند تا صرف مجازات، و این رویکرد با بعد تربیتی-اصلاحی فقه اسلامی نزدیکی‌هایی دارد؛ با این حال تفاوت ساختاری در مبنای اخلاقی وجود دارد: فقه، قواعد الزام‌آور تکلیفی و حقوقی را مبتنی بر نص و استنباط قرار می‌دهد، نه محاسبه صرف پیامدها (۲۳).

۴. نظریه کیفری انتقامی/بازگشتی-کرامت و پاسخ

به «اراده بد»

بازگشت‌گرایان (به‌ویژه در تفسیر کانتی) معتقدند مجازات باید متناسب با «شرارت ارادی» مرتکب باشد؛ مجازات به‌مثابه پاسخ اخلاقی به انتخاب آگاهانه مجرم تا کرامت اخلاقی نظم حقوقی را بازسازی کند. این نگاه در فقه اسلامی نیز بازتاب‌هایی دارد: نهادهای قصاص و حدود اساساً بر «مسئولیت شخص مختار و عاقل» متکی‌اند و تأکید دارند که جزا باید متناسب با جرم و مبتنی بر ثبوت قصد باشد. اما فقه همواره تعادل میان جنبه تنبیهی و جنبه تربیتی را حفظ کرده و قواعدی چون «الشکّ یذهب الحدود» را برای محافظت از محکومیت نابه‌جا مقرر داشته است؛

فقهی چون «قاعده اکراه»، «قاعده اضطرار» و «الشک یذهب الحدود» ابزارهایی هستند برای حفظ عدالت و جلوگیری از مجازات افراد فاقد اختیار واقعی.

از منظر فلسفی، نظام فکری اسلامی در عین پذیرش قاعده‌ی علیت و مشیت الهی، برای انسان نوعی آزادی نسبی و مسئولیت اخلاقی قائل است. این برداشت، با برخی قرائت‌های سازگارگرایانه در فلسفه‌ی غرب هم‌پوشانی دارد؛ زیرا هر دو رویکرد می‌پذیرند که آزادی و علیت می‌توانند هم‌زمان برقرار باشند، مادامی که فاعل از آگاهی و کنترل درونی کافی برخوردار است. در مقابل، نظریه‌های اختیارگرایانه‌ی غربی که بر «امکان فعل بدیل» تأکید دارند، با منطق فقه اسلامی تفاوت دارند، زیرا فقه، معیار مسئولیت را بر «اختیار عرفی و قابل احراز» استوار می‌کند نه بر آزادی متافیزیکی محض.

از سوی دیگر، رویکردهای نتیجه‌گرا و بازدارنده در فلسفه‌ی اخلاق غربی با اهداف تربیتی و اصلاحی مجازات در فقه اسلامی نزدیکی‌هایی دارند؛ هر دو به غایت عدالت، اصلاح جامعه و بازگرداندن تعادل اخلاقی توجه می‌کنند. اما فقه اسلامی برخلاف سودگرایی، معیار مشروعیت مجازات را نه صرفاً در سود اجتماعی، بلکه در عدل الهی و رضایت شرع جست‌وجو می‌کند. در نهایت، نظریه‌ی بازگشت‌گرایی کانتی که مجازات را واکنش اخلاقی در برابر اراده‌ی بد می‌داند، با مبانی قصاص و حدود در فقه اسلامی مشابهت دارد؛ با این تفاوت که فقه اسلامی همواره اصل «احتیاط در دماء» و «احترام به کرامت انسان» را در کنار اصل استحقاق مجازات حفظ کرده است.

در مجموع، می‌توان گفت که اخلاق کیفری اسلامی در تعیین مرز آزادی اراده، میان دو قطب جبرگرایی و اختیارگرایی جایگاهی میانه و عقل‌گرایانه دارد. این اخلاق، در عین پذیرش مسئولیت اخلاقی و کیفری انسان، از ابزارهای فقهی برای تضمین عدالت و کاهش خطای قضایی بهره می‌برد. در عصر حاضر، با پیشرفت علوم اعصاب و روان‌شناسی، ضرورت بازنگری فقهی و حقوقی در مفهوم «اختیار» بیش از پیش احساس می‌شود؛ با این حال، چارچوب هنجاری فقه اسلامی ظرفیت بالایی برای تلفیق داده‌های علمی با اصول اخلاقی و شرعی دارد.

بنابراین، نتیجه نهایی مقاله این است که اخلاق کیفری اسلامی می‌تواند به‌عنوان الگویی پویا و میان‌رشته‌ای، راهی میانه میان دیدگاه‌های سخت‌گیرانه‌ی جبرگرایانه و نظریات مطلق‌گرای آزادی اراده در غرب بگشاید؛ الگویی که ضمن حفظ عدالت، کرامت انسانی و ارزش‌های اخلاقی، به فهمی نو از مسئولیت کیفری در جهان معاصر منتهی می‌شود.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

بنابراین بازگشت‌گرایی کانتی در سطح نظری شبیه است ولی در عمل فقه اسلامی حد و حدود کاربرد و تفسیر متفاوت دارند (۲۳).

۵. دیدگاه‌های حقوقی معاصر و نقد علوم اعصاب

در دهه‌های اخیر، علوم اعصاب و روان‌پزشکی مدعی‌اند شواهد زیستی می‌تواند نشان‌دهنده تضعیف کنترل یا اراده در برخی مجرمان باشد؛ این موضوع پرسش‌های عملی در خصوص معیارهای مسئولیت کیفری پدید آورده است. برخی مطالعات می‌گویند مدارهای فرونتال معیوب با افزایش رفتارهای تکانشی و خشونت ارتباط دارند، ولی جامعه حقوقی هشدار می‌دهد که داده‌های نوروساینس غالباً نمی‌توانند «فقط به‌تنهایی» پیوند علی مستدل میان ضایعه و جرم را اثبات کنند و خطر سوءاستفاده قضایی (مثلاً پیش‌گیرانه‌سازی یا تقلیل مسئولیت به‌صورت ناصحیح) وجود دارد (۲۴). این وضعیت، به‌ویژه برای نظام‌های مبتنی بر فقه که به نص و معیارهای عرفی و شرعی اتکا دارند، ایجاد می‌کند قواعد فقهی-حقوقی درباره «عقل» و «اختیار» را به‌گونه‌ای عملی تبیین کنند که هم از شواهد علمی بهره ببرند و هم معیارهای تضمین‌کننده عدالت را حفظ نمایند.

همه نظریه‌ها با اشکال متفاوت نقطه اشتراکی با هم دارند و به این می‌رسند که برای مسئولیت کیفری «حداقلی از اختیار/کنترل/آگاهی» لازم است؛ فقه اسلامی این حد را با شروط عملی قابل احراز (بلوغ، عقل، اختیار) تعیین می‌کند که در مقام عمل همخوانی با معیارهای سازگارگرانه دارد (۲۵).

همچنین این نظریه‌ها نقطه افتراقی نیز دارند. اختیارگرایی متافیزیکی با مبانی فقهی تکلیفی در تعارض است مگر آنکه نقش آن محدود به تفسیر خاص معذورات شود؛ بازگشت‌گرایی کانتی و فقه اسلامی از لحاظ «لزوم پاسخ اخلاقی» هم‌راستا هستند اما فقه تأکید بیشتری بر نص و قاعده شرعی دارد (۹).

همچنین می‌توان گفت، ورود شواهد علوم اعصاب ضرورت بازتعریف معیارهای اثبات «اختیار مختل» را نشان می‌دهد؛ نظام‌های فقهی و قانون‌گذاری اسلامی می‌توانند با پذیرش اصول عملی اثبات (بحث کارشناسی، استانداردهای دلیل‌پذیری) هم عدالت کیفری را حفظ کنند و هم از دانش نوین برای تشخیص موارد استثنایی بهره ببرند (۲۵).

نتیجه‌گیری

تحلیل فلسفی و فقهی مفهوم «آزادی اراده» در قلمرو حقوق کیفری نشان داد که اخلاق کیفری نقشی بنیادین در تعیین حدود مسئولیت و اختیار انسان ایفا می‌کند. اخلاق کیفری در هر نظام حقوقی، از جمله در حقوق اسلامی، چارچوبی هنجاری است که مرز میان «اختیار» و «اجبار» را مشخص می‌سازد و از این طریق، عدالت کیفری را معنا می‌بخشد. بررسی مبانی فقهی و حقوق اسلامی نشان داد که در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی ایران، سه عنصر عقل، بلوغ و اختیار ارکان اصلی تحقق مسئولیت کیفری‌اند؛ فقدان هر یک از این ارکان، نشانه‌ی زوال یا نقصان آزادی اراده محسوب می‌شود. به‌ویژه قواعد

9. Code of ethics	استانداردهای اخلاقی
10. Unethical behavior	رفتاهای غیر اخلاقی
11. Transparency	شفافیت
12. Criminal law	حقوق کیفری
13. Maturity	بلوغ
14. Mental disorder	اختلال روانی
15. Intentional crimes	جرائم عمدی

1. Liberitarian	اختیارگرایی
2. Ethical responsibility	مسئولیت اخلاقی
3. Compatibility	سازگارگرایی
4. Free will	اراده آزاد
5. Criminal ethics	اخلاق کیفری
6. Neurolaw	روان حقوق
7. Criminal justice	عدالت کیفری
8. Ethical principles	اصول اخلاقی

References

- Robb D. Free will. In: Zalta EN, editor. The Stanford Encyclopedia of Philosophy. Stanford: Metaphysics Research Lab, Stanford University; 2020.
- Talbert M. Moral responsibility. In: Zalta EN, editor. The Stanford Encyclopedia of Philosophy. Stanford: Metaphysics Research Lab, Stanford University; 2019.
- Afrasiabi S, Kheini G, Mojtahed Soleimani A. Legal and ethical principles of criminalization in Iran's Criminal Law. *Ethics in Science and Technology* 2020; 14 (4): 1-6. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22517634.1398.14.4.1.6>
- Hallaq WB. Shari'a: Theory, Practice, Transformations. Cambridge: Cambridge University Press; 2009.
- Kamali MH. Principles of Islamic Jurisprudence. Cambridge: Islamic Texts Society; 2003.
- Peters R. Crime and punishment in Islamic law: Theory and Practice from the Sixteenth to the Twenty-First Century. Cambridge: Cambridge University Press; 2006.
- Javadi Amoli A. Ethics in the light of revelation and intellect. Qom: Esra' Publications; 2012.
- Alimardani A, Chin J. Neuroprediction, its potential impact on sentencing, and why judges should be cautious. *Journal of Law and the Biosciences*. 2018;5(2):330-364.
- Eastman N, Campbell C. Neuroscience and legal determination of criminal responsibility. *Nature Reviews Neuroscience*. 2006;7(4):311-318. <https://doi.org/10.1038/nrn1887>
- Nobahar R, Khattehab M. Free will as the foundation of criminal responsibility in the debate between compatibilism and incompatibilism. *Journal of Criminal Law and Criminology*, 2017; 5(9): 87-113.
- Mousavi Mojab, S D. The will and its' impact on criminal liability; with an approach to the legal system of Islamic countries. *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 2024; 1(1): 64-82. <http://dx.doi.org/10.22091/dclic.2024.2779>
- Khodadadi M, Dadash Nezhad D. The place of ethics in the criminalization of criminal offenses in iran's legal system. *Ethics in Science and Technology* 2024; 19 (2): 41-49. <http://dx.doi.org/10.22034/ethicsjournal.19.2.41>
- Khalili R, Esmaeili M, Hajitabar H. Ethics in criminal law: respect for the freedom of individuals and the study of reason in Imami jurisprudence and Iranian criminal law. *Ethics in Science and Technology* 2022; 16 (4): 14-20. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22517634.1400.16.4.3.2>
- Nobahar R, Ghanbarian Banooee M. Factual ignorance and criminal responsibility according to virtue ethics theory. *Criminal law and Criminology Studies*, 2024; 53(2): 285-265. <https://doi.org/10.22059/jqelcs.2024.364561.1869>
- The importance of ethics in criminal justice. Available from: <https://www.husson.edu/online/blog/2023/10/role-of-ethics-in-criminal-justice>
- Mahmoudi Janaki F, Roustaie M. Justification of criminal intervention; principles and necessities. *Journal of Criminal Law Research*, 2013; 1(3): 35-66.
- Yousefi M, Kazemi SS, Falahi A. Intention and its effect on criminal liability with a comparative approach to other elements of crime. *Comparative Criminal Jurisprudence*, 2023; 2(5): 271-284. <https://doi.org/10.22034/jccj.2023.413818.1356>
- Shamloo B, Hosseini M. Attribution of criminal liability to legal persons in Iranian criminal law and twelvers jurisprudence. *Research Letter of Social Jurisprudence (Interdisciplinary Researches in Jurisprudence/ Researches in Jurisprudence)*, 2023; 11(1): 123-146. <https://doi.org/10.30497/irj.2022.76398>
- Zakikhani N, BahmanPouri A, Gharibpoor M, Jokar SM. Jurisprudential analysis of absolute liability resulting from preventive measures of crime. *Journal of Studies in Islamic Law & Jurisprudence*, 2025; 4: 1-36. <https://doi.org/10.22075/feqh.2023.31143.3646>
- Arzhang A, Roustaie Sadrabadi H, Naziri F. Jurisprudential principles of the legitimacy of criminal liability for breach of the obligation to deal with danger. *Religious Researches*, 2022; 18(4): 951-974. <https://doi.org/10.22059/jorr.2020.305210.1008863>
- Mirshojaei SS, Moghtadaee F. Criminal responsibility of legal entities in Imami Jurisprudence and Iranian Law. *Contemporary Legal Thought*, 2022; 3(2): 35-45. <https://doi.org/10.22034/lth.2022.696923>
- Sadeghi MH, Tanhaee F. The nature of the freewill and its role in criminal law. *Journal of Criminal Law Research*, 2017; 6(21): 39-72. <https://doi.org/10.22054/jclr.2018.12430.1217>
- Karimi Rad E, Farahbakhsh M, Mirsaedi SM, Ghasemi G. Legal moralism, from consequentialism to deontology theory. *Journal of Islamic Law Research*, 2022; 23(3): 351-378. <https://doi.org/10.30497/law.2022.242794.3217>
- Jones OD, Marois R, Farah MJ, Greely HT. Law and neuroscience. *The Journal of neuroscience: the official journal of the Society for Neuroscience*, 2013; 33(45): 17624-17630. <https://doi.org/10.1523/JNEUROSCI.3254-13.2013>
- D'Aloia A, Chiara Errigo M. Neuroscience and law. 1st ed. Springer Cham. 2021. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-38840-9>.